**١١١ - در کتب مقدسه بنی اسرائیل**

از حضرت بهاءالله در لوحی است قوله الاعلی: بنام دانای توانا امروز روزی است که کرسی رب ما بین شعب ندا میکند جمیع ساکنین ارض را و امر مینماید بتسبیح و تقدیس پروردگار امروز روزی است که ملائکه های آسمان باکواب بیان و اباریق عرفان در کل احیان نازل میشوند و بنفحات مقدسه طیبه معطر شده راجع میگردند بگو آله موعود میفرماید ای ملاء یهود شما از من بودید و بمن راجع چه شده که حال مرا نمیشناسید با آنکه بجمیع علامتها ظاهر شده ام دشمنانرا دوست گرفته اید و دوست حقیقی را از دست داده اید امروز آسمان جدید ظاهر شده و ارض جدید گشته اگر بدیده های پاکیزه نظر نمائید اورشلیم جدید را ملاحظه میکنید و اگر بگوشهای شنوا توجه نمائید نداء الله را میشنوید جمیع اشیاء الیوم شما را ندا مینماید و برب دعوت میکند و شما چنان از خمر غرور مستید که در آنی ملتفت آن نشده اید گوش از برای شنیدن ندای من است و چشم از برای مشاهده جمالم بشنوید و از دونم بپرهیزید قبة الله بید عنایت الهی مرتفع شده و امر الله ظاهر گشته گذشت زمان آنچه از قبل بود میقات جدید بمیان آمده کل شیئی باراده الله تازه گشت لکن بصر تازه ادراک مینماید و هوش تازه باینمقام پی برد بدایت و نهایت اشاره بیک کلمه مبارکه بود و آن ظاهر شد و آمد و اوست روح کتب و صحف الهی که لم یزل و لا یزال بوده و خواهد بود و او است مفتاح کنز اعظم ربانی و سر مکنون الهی که همیشه خلف سرادق عصمت مخزون بوده او است آن الف و یائی که یوحنا از آن خبر داده انه هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن ...مدینة الله بکمال زینت ظاهر و مشهود و این مدینه است که اله کل در آن ظاهر شده درین کلمه یوحنا تفکر کنید که خبر داده از مدینه مقدسه الی ان قال و لم ار فیها هیکلا لان الرب الاله ضابط الکل هو هیکلها و المدینة لا تحتاج للشمس و لا للقمر لینیرا فیها لان بهاء الله اضاء فیها الی آخر قوله

و در لوح خطاب بشیخ نجفی اصفهانی است قوله الاعز یوئیل میفرماید لان یوم الرب عظیم و مخوف جدا فمن یطیقه ...ندای ارمیا را بسمع حقیقی بشنو میفرماید اه لان ذلک الیوم عظیم و لیس مثله ...نغمه حضرت داود را بشنو که میفرماید من یقودنی الی المدینة المحصنة مدینه محصنّه مدینه عکا است ... اقرء ما نطق به اشعیا فی کتابه قوله علی جبل عال اصعدی یا مبشره صهیون ارفعی صوتک بقوه یا مبشره اورشلیم ارفعی لا تخافی قولی لمدن یهودا هوذا آلهک هوذا السید الرب بقوه یاتی و ذراعه تحکم له ... عاموص میفرماید ان الرب یز مجرمن صهیون و یاتی صوته من اورشلیم فتنوح مراعی الرعاة و ییبس رأس الکرمل و کرمل در کتاب الهی بکوم الله و کرم الله نامیده شده کوم تپه را میگویند و اینمقامی است که درین ایام از فضل دارای ظهور خباء مجد بر آن مرتفع گشته ... و همچنین میفرماید یاتی الهنا و لا یصمت یا شیخ در این بیان مقصود عالمیان که بعاموص فرموده تفکر نما قوله فاستعد للقاء آلهک یا اسرائیل فانه هو الّذی صنع الجبال و خلق الریح و اخبر الانسان ما هو فکره الذی یجعل الفجر ظلاما و یمشی علی مشارف الارض یهوه اله الجنود اسمه میفرماید فجر را تاریک مینماید مقصود آنکه اگر در حین ظهور مکلم طور نفسی خود را صبح صادق داند بقوت و قدرت الهی تاریک میشود صبح کاذب است و خود را صادق میداند و یل له و ویل لمن اتبعه من دون بینة من الله رب العالمین اشعیا میفرماید یسمو الرب وحده فی ذلک الیوم ... ادخل الی الصخرة و اختبئی فی التراب امام هیبة الرب و من بهاء عظمة ...تفرح البریة و الارض الیابسة و یبتهج القفر و یزهر کالنرجس و یبتهج ابتهاجا و یدفع الیه مجد لبنان بهاء کرمل و شارون هم یرون مجد الرب بهاء الهنا ...قولوا لخائفی القلوب تشددوا و لا تخافوا هو ذا آلهکم

و در مفاوضات از حضرت عبدالبهاءاست قوله العزیز بشاراتی را که خدا در دو سه هزار سال پیش از لسان انبیاء داده بود ظاهر شد و خداوند بوعده وفا نمود زیرا ببعضی از انبیاء وحی فرموده و بشارت بارض مقدس داده که رب الجنود در تو ظاهر خواهد شد .

و قوله العزیز در اصحاح ١٢ آیه ٦ از کتاب دانیال میفرماید و بیکی مرد ملبس شده بکتان که بالای آبهای شهر میایستاد گفت که انجام این عجائبات تا بچند میکشد و آنمرد ملبس شده بکتان را که بالای آبهای شهر میایستاد شنیدم در حالتی که دست راست و دست چپ خود را بسوی آسمان بلند کرده بحی ابدی سوگند یاد نموده که برای یکزمان و دو زمان و نصف زمان خواهد بود و چون پراکندگی قوت قوم مقدس بانجام رسد آنگاه همه این امور باتمام خواهد رسید ... هر روز آب عبارت از یکسال است و هر سال عبارت از دوازده ماه است پس سه سال و نیم چهل و دو ماه میشود و چهل و دو ماه هزار و دویست و شصت روز است و هر روزی در کتاب مقدس عبارت از یکسال است ...و بعد در آیه یازدهم میفرماید واز هنگام موقوف شدن قربانی دائمی و نصب نمودن رجاست ویرانی هزار و دویست و نود روز خواهد بود خوشا بحال آنکه انتظار کشد و بهزار و سیصد و سی و پنج روز برسد بدایت این تاریخ قمری از یوم اعلان نبوت حضرت محمد است بر عموم اقلیم حجاز و آن سه سال بعد از بعثت بود زیرا در بدایت نبوت حضرت مستور بود کسی جز خدیجه و ابن توفل اطلاع نداشت بعد از سه سال اعلان گردید و جمال مبارک در سنه ١٢٩٠ از اعلان نبوت حضرت محمد اعلان ظهور فرمودند .

و قوله العزیز در آیه ١٣ فصل ٨ از کتاب دانیال میفرماید و مقدس متکلمی را شنیدم و هم مقدس دیگر را که از آن متکلم میپرسید که رویای قربانی دائمی و عصیان خراب کننده تا بکی میرسد و مقام مقدس و لشگر بپایمالی تسلیم کرده خواهد شد و بمن گفت که تا بدو هزار و سیصد شبانه روز آنگاه مقام مقدس مصفی خواهد گردید تا آنکه میفرماید این رؤیا نسبت بزمان آخر دارد یعنی این فلاکت و این خرابیت و این حقارت تا کی میکشد یعنی صبح ظهور کی است پس گفت تا دو هزار و سیصد شبانه روز آنگاه مقام مقدس مصفی خواهد شد خلاصه مقصد اینجا است که دو هزار و سیصد سال تعیین میکند و بنص تورات هر روزی یک سال است پس از تاریخ صدور فرمان ارتحشستا بتجدید بنای بیت المقدس تا یوم ولادت حضرت مسیح ٤٥٦ سال است و از یوم ولادت حضرت مسیح تا یوم ظهور حضرت اعلی ١٨٤٤ سنه است و چون ٤٥٦ سال را ضم برین کنی دو هزار و سیصد سال میشود یعنی تعبیر رویای دانیال در سنه ١٨٤٤ میلادی واقع و آن سنه ظهور حضرت اعلی بود ... وحضرت مسیح در اصحاح ٢٤ از انجیل متی آیه ٣ تصریح میفرماید که مقصود ازین اخبار دانیال زمان ظهور است و آن آیه این است و چون بکوه زیتون نشسته بود شاگردانش در خلوت نزد وی آمده و گفتند بما بگو که این امور کی واقع میشود و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست از جمله بیانات حضرت مسیح که در جواب ایشان گفت این بود پس چون مکروه ویرانی را که بزبان دانیال نبی گفته شده است در مقام مقدس بر پا شده ببینید هر که خواند در یافت کند انتهی و جواب را حواله باصحاح ثامن از کتاب دانیال فرمود که هر کس آن اصحاح را بخواند آن زمان را در یافت خواهد نمود .

و در خطابی از آنحضرت است قوله المتین در خصوص ٢٦ از اصحاح تاسع سئوال نموده بودید که هر چند آیه ٢٤ معنیش ظاهر شد اما آیه ٢٦ هنوز حقیقتش مجهول ای یار مهربان بدانکه چهار امر نامه از ملوک در تجدید و بنای اورشلیم صادر اول امر کورش است که در ٥٣٦ قبل میلاد صادر کتاب عزرا فصل اول ثانی از داریوش است که در تاریخ ٥١٩ قبل از میلاد واقع عزرا فصل ششم امر ثالث از ارتحشستا در سنه سابع از حکومتش ٤٥٧ قبل از میلاد عزرا فصل هفتم امر رابع از ارتحشستا ٤٤٤ قبل از میلاد نحمیا فصل ٢ و مراد دانیال امر ثالث است حضرت مسیح سی و سه سال زندگی نمودند چون اینعدد سی و سه را بر ٤٥٧ بیفزائیم ٤٩٠ میشود این هفتاد هفته است تمام ایضاً در آیه ٢٥ نیز هفت هفته و شصت و دو هفته بیان میفرماید و بعد هفته اخیر است که تمام سبعین است که در وسط آن ذبیحه بشهادت حضرت مسیح منتهی شد و تفصیلش این است که دو تاریخ بیان میفرماید یک تاریخ بدایتش صدور امر از ارتحشستا برای عزرا ببنای اورشلیم و نهایتش صعود حضرت مسیح و آن هفتاد هفته است**[[1]](#footnote-1)** و تاریخ ثانی بدایتش از اتمام و اکمال بنای اورشلیم است تا صعود مسیح شصت و دو هفته و در هفته شصت و سیم که متصل بآن است و در عقب آن صعود مسیح است این هفت هفته مدت بنای تجدید اورشلیم است پس مدت بدایت و تاریخ صدور امر از ارتحشستا نمائی هفتاد هفته میشود**[[2]](#footnote-2)** و چون بدایت تاریخ را صدور امر ارتاکزرس اورشلیم گیری شصت و دو هفته شود و در هفته شصت و سه در وسط آن ذبیحه بشهادت منتهی شد .

1. در خطابی چنین مسطور بدایتش صدور امر ارتاکزرس بتجدید بنای اورشلیم [↑](#footnote-ref-1)
2. و در خطابی است پس چون بدایت تاریخ را صدور امر ارتاکزرس هفتاد هفته میشود [↑](#footnote-ref-2)